

نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی

مسعود معینی‌پور^۱ - حسین میرچراغ‌خانی^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۷

چکیده

ریشه‌چینی، چرایی و چگونگی اندیشه رهبران اجتماعی سیاسی در نظام معرفت‌شناسی آنان نهفته است. فهم این نظام، کمک می‌کند تا حلقه‌های موثر در تحلیل مسائل سیاسی از دیدگاه افراد شناخته شود. با وجود آثار علمی متعدد درباره اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای تاکنون اثری به طور خاص نظام معرفت‌شناسی وی را در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی بررسی نکرده است. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی با رویکردی معرفت‌شناسانه در صدد کشف نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در مسائل اجتماعی سیاسی برآمده است. در پاسخ به این پرسش که آیت‌الله خامنه‌ای با چه معیاری به تحلیل مسائل سیاسی می‌پردازند به این نتیجه می‌رسیم که نظام معرفت‌شناسی ایشان با اتکا به فرآیند چهارگانه شناخت یعنی، امکان شناخت قضیه‌های سیاسی، قابلیت پذیرش صدق و کذب قضایای سیاسی، امکان تشخیص قضیه سیاسی صادق از کاذب و ارتباط بین قضایای سیاسی به تحلیل مسائل می‌پردازد. مهمترین وجه تمایز نظام معرفتی وی با سایر تحلیل‌گران سیاسی در ترکیب داده‌های تجربی با سنجش‌های عقلانی و تطبیق وحیانی است.

واژگان کلیدی: معرفت‌شناسی، اندیشه، نظام، شناخت، سیاسی، اجتماعی، آیت‌الله خامنه‌ای

مقدمه

تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی به دلیل پیچیدگی و پیوستگی به مسائل دینی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و علمی به راحتی قابل شناخت و درک نیست. دشواری شناخت تحلیل‌های سیاسی آن گاه بیشتر می‌شود که تفسیرپذیری مفاهیم سیاسی به آن افزوده شود. بسیاری از مفاهیم سیاسی از جمله مفهوم امر سیاسی همچنان قابل تعریف و برداشت مفهومی هستند آیا امر سیاسی پیش فرض مفهوم دولت است؟ آیا این مفهوم با ایده‌های متعدد در تقابل با سایر مفاهیم و گرایش‌های علوم انسانی قابل تعریف است؟ آیا می‌توان امر سیاسی را با تمایزات مختص به خود تعریف کرد؟ (اشمیت، ۱۳۹۳: ۱۳-۲۲). پرسش‌های این چنین، مادامی که به منظومه فکری و نظام معرفت‌شناسی تعریف‌کننده و تحلیل‌کننده توجه صورت نگیرد همچنان پا برجا خواهد ماند. بر همین اساس می‌توان گفت رهبران فکری و سیاسی که منشأ تحول در معادلات اجتماعی سیاسی هستند از یک منظومه فکری خاص برخوردارند. نظام معرفت‌شناسی به عنوان بخشی از این منظومه فکری نقش تأثیرگذاری در چگونه اندیشیدن این رهبران دارد. آیت الله خامنه‌ای از جمله رهبرانی است که از منظومه فکری منسجمی برخوردار است و با نگاهی منحصر به خودش به مسائل اجتماعی سیاسی می‌نگرد.

تاکنون آثار زیادی در صدد تبیین چستی اندیشه آیت الله خامنه‌ای برآمدند. اما اثری که به صورت مستقل نظام معرفت‌شناسی در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی را تحقیق کرده باشد، وجود ندارد. از آن جا که اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای و به تبعیت از آن موضع‌گیری‌های سیاسی وی مورد توجه سیاستمداران داخلی و خارجی است. همچنین اندیشه و موضع‌گیری‌های سیاسی وی موافقان و مخالفانی دارد، ضروری است تا نظام معرفت‌شناسی حاکم بر اندیشه وی تبیین شود، تا یک الگوی معرفت‌شناسانه‌ای از چگونگی نگاه ایشان به مسائل سیاسی به دست آید. تبیین نظام معرفت‌شناسی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای و ترسیم الگوی معرفت‌شناسی وی با تأکید بر تألیفات، دروس خارج و بیانات ایشان صورت گرفته است.

با توجه به این که شناخت و معرفت، شرط اصلی درک مسائل اجتماعی و سیاسی است هر گونه موضع‌گیری از نوع و چگونگی شناخت سرچشمه می‌گیرد. بر همین اساس این مقاله درصدد تبیین بررسی نظام معرفت‌شناسی آیت الله خامنه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی است تا چرایی و نوع نگرش وی به مسائل سیاسی مشخص شود. بنابراین مساله این مقاله، نبود

الگوی معرفت‌شناسانه از نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل مسأله مذکور است، به گونه‌ای که عده‌ای از سیاست‌مداران و اندیشمندان درباره برخی موضع‌گیری‌های ایشان سوالاتی را مطرح می‌کنند. نوع نگاه وی به مسأله استکبار و تعامل با آن (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۴۳) از جمله مواردی است که با نگاه برخی از سیاست‌مداران و تحلیل‌گران مسلمان و شیعی متفاوت است.

مبانی و چارچوب نظری

برای فهم بهتر مسأله (نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی) و عدم خلط آن با دانش‌هایی چون منطق، فلسفه و روان‌شناسی ابتدا لازم است اشاره‌ای به تفاوت‌های مبانی نظام معرفت‌شناسی با مفاهیم و علوم مذکور صورت گیرد تا حدود مفهومی «نظام معرفت‌شناسی» تبیین شود.

منطق: علم منطقی همانند معرفت‌شناسی دانشی درجه دوم است و موضوع آن بحث پیرامون شناخت انسان است. اما تفاوت آن با معرفت‌شناسی آنجا مشخص می‌شود که منطقی عهده‌دار چگونگی چینش معلومات برای کشف مجهول است. در واقع از معرفت و حجت بحث می‌گوید. برای نمونه در منطق اگر مقدمات و شکل استدلال به درستی استقام شوند؛ نتیجه صحیح حاصل می‌شود (فعالی، ۱۳۷۷: ۳۸). این که ماده‌های استفاده شده درست و یقین آورند یا ظن آور، خارج از وظیفه منطق و داخل در حیطه معرفت‌شناسی است. با چنین نگاهی باید معرفت‌شناسی را زیربنای منطق دانست، چون معرفت‌شناسی است که ارزش معلومات را مشخص می‌کند (فیاضی، ۱۳۸۶: ۴۰) و منطق با اعتماد به معرفت‌شناسی تعریف و استدلال ارائه می‌کند، بنابراین می‌توان گفت دلیل اختلاف منطق و داوری مکاتب فکری تفاوت در معرفت‌شناسی آنان است.

فلسفه: در گذشته معرفت‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علم فلسفه مورد مطالعه قرار می‌گرفت. با توجه به قابلیت و ظرفیت معرفت‌شناسی این دانش مستقل از فلسفه به یک رشته علمی تبدیل شده است. هر چند فلسفه و معرفت‌شناسی هر دو پیرامون شناخت بحث می‌کنند، اما تفاوت‌هایی با یک‌دیگر دارند. در فلسفه هستی، وجود، چیستی و چگونگی موجودات جهان هستی بررسی می‌شود، همچنین بحث از این که موجود جوهر است یا عرض؟ در حیطه علم

فلسفه است، به طور کلی در فلسفه با رویکردی هستی‌شناسانه مواجه هستیم. اما در معرفت‌شناسی مشخص می‌شود کدام یک از صورت‌های ذهنی مورد بحث در علم حصولی مطابق با واقع هستند. به عبارت دیگر معرفت‌شناسی مشخص می‌کند که کدام صورت ذهنی واقع را آن چنان که هست نشان می‌دهد. بنابراین با این نگاه موضوع دانش معرفت‌شناسی با فلسفه متفاوت است. فلسفه‌های مضاف نیز شباهت زیادی به معرفت‌شناسی دارند که باید در تفاوت آنان با معرفت‌شناسی توجه داشت، برای نمونه در فلسفه علم شناخت‌های تجربی مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت می‌توان گفت فیلسوف برای درک صحیح فلسفی و مواجهه با حقیقت نیازمند دانش معرفت‌شناسی است (فیاضی، ۱۳۸۶: ۴۲).

روان‌شناسی: بخش‌های از روان‌شناسی مانند روان‌شناسی ادراک به معرفت‌شناسی شباهت دارد. «ادراک» در روان‌شناسی به معنایی تعبیر و تفسیر احساس است؛ به این معنا که ادراک عبارت است از فرآیندهای که احساس مستقیماً آنها را به راه می‌اندازد. بنابراین ادراک متفاوت از احساس است، از نظر روانشناسان ادراک نتیجه فرآیند رویدادها و محاسبه عقلانی است. بر همین اساس امکان ادراک‌های متفاوتی از یک احساس وجود دارد. روانشناسان به تفصیل درباره خطای ادراک بحث کرده‌اند. برای نمونه می‌نویسند: «خطای ادراکی پدیده دیگری است که نشان می‌دهد، ادراک رونوشت ساده دنیای خارج نیست. به سخن دیگر، خطای ادراک ثابت می‌کند که ادراک با واقعیت تطبیق نمی‌کند. خطای ادراک یک پدیده عادی و همگانی است، بدین صورت که همه انسان‌ها چه سالم و چه بیمار، خطای ادراکی دارند.» (گنجی، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۷۸). از آنجا که در روانشناسی ادراک از چگونگی درک، فرآیند درک، زمان و شرایط درک بحث می‌شود، باید توجه داشت که این مباحث متفاوت از مباحث معرفت‌شناسی است. دانش معرفت‌شناسی مطابقت معرفت‌های کشف شده را با واقع مورد بررسی قرار می‌دهد. در جاهایی هم که به مباحث علوم حضوری و حصولی ورود می‌کند؛ همگی مقدمه بحث ارزش معرفت‌شناختی هستند (فیاضی، ۱۳۸۶: ۴۴). البته دانش روان‌شناسی سیاسی ارتباط نزدیکی با نظام معرفت‌شناسی یک شخصیت در تحلیل پدیده‌های سیاسی اجتماعی دارد. در روان‌شناسی سیاسی دو رویکرد وجود دارد؛ یکی وضعیت‌گرایی که علل رفتارهای سیاسی افراد را در محیط جستجو می‌کند. دوم طبع‌گرایی است که علل رفتارهای سیاسی را در عقاید، ارزش‌ها و شخصیت تحلیل‌گر جستجو می‌کند. به بیان دیگر وضعیت‌گرایی تأثیر علل بیرونی و طبع‌گرایی

تأثیر علل درونی را بررسی می‌کند (هوتون، ۱۳۹۳: ۱۴). تفاوت روانشناسی سیاسی با نظام معرفت‌شناسی در این است که در روان‌شناسی سیاسی صرفاً علل رفتارها و تأثیر و تأثر آنها از یک دیگر بررسی می‌شود. این در حالی است که در نظام معرفت‌شناسی پدیده‌های سیاسی در ابعاد کلی اعم از شناخت، صدق و کذب، معیار صدق و کذب و نحوه برقراری ارتباط بین آنها تبیین و بررسی می‌شود.

معرفت‌شناسی: مفهوم معرفت‌شناسی برگرفته از دو کلمه «Episteme» (معرفت) و «S» (نظریه یا تبیین) که دو واژه یونانی هستند، تشکیل شده است. به طور کلی این علم به مطالعه ماهیت، منابع، حدود و قلمرو معرفت می‌پردازد (موزر و تروت، ۱۳۸۷: ۱۹). شناخت‌های که برای انسان حاصل می‌شود در یک طیف قرار نمی‌گیرند چرا که متعلق و موضوع شناخت‌ها متفاوت است. گاهی امور واقعی متعلق شناخت هستند، مانند: آگاهی نسبت به جانداران روی زمین یا امور اعتباری، مانند: قوانین و مقرراتی که انسان‌ها وضع کرده‌اند. در چنین مواردی شناخت و معرفت، دانشی درجه اول است. به این معنا که فاعل شناسا، به واقعیت‌هایی شناخت پیدا کرده است که شناخت آنها متکی به شکل‌گیری معرفت دیگری نیست. به عبارت دیگر در دانش درجه اول اگر شناخت هم حاصل نشود واقعیت از قبل وجود دارند. اما در دانش‌های درجه دوم؛ ابتدا باید موضوعی وجود داشته باشد و انسان به آن شناختی به دست آورد بعد از این شناخت، با نگاهی بیرونی، شناخت‌ها را تحلیل و بررسی می‌کند. در واقع متعلق شناخت خود دانش است چنین دانش‌هایی را دانش درجه دوم می‌گویند، چرا که وجود آنها مقوم به چیز دیگری است. بنابراین دانش‌های درجه دوم، به دنبال توضیح واقعیت‌ها نیستند، بلکه پیرامون معرفت‌های انسان، چگونگی به کارگیری آنها و مسائلی از این قبیل بحث می‌کند (فیاضی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۶). با این مقدمه در تعریف معرفت‌شناسی، می‌توان گفت: «معرفت‌شناسی دانشی است که انواع شناخت‌های انسان، درست و نادرست بودن و نیز معیار درستی و صحت آنها را بررسی و بیان می‌کند» (فیاضی، ۱۳۸۶: ۲۵). بعد از روشن شدن این که دانش معرفت‌شناسی، دانشی درجه دوم است. به این نکته باید توجه داشت که معرفت‌شناسی به دو بخش؛ معرفت‌شناسی مطلق و معرفت‌شناسی مضاف یا مقید قابل تقسیم است. منظور از مطلق این است که؛ شناخت‌های صورت گرفته تمامی شناخت‌های انسان را در بر می‌گیرد. اما معرفت‌شناسی مقید یا مضاف به یک حوزه خاص از معرفت بشری ناظر است. در این مقاله

معرفت‌شناسی سیاسی مد نظر است که نوعی معرفت‌شناسی مضاف به حساب می‌آید، چرا که مربوط به گزاره‌های علوم انسانی است (حسین‌زاده، الف ۱۳۸۸: ۱۶).

با تبیین حدود مفهومی و مبانی نظری، گام بعدی تعیین چهارچوب نظری قابل استفاده برای مقاله است که به وسیله آن تا حد امکان پاسخ جامعی به سوال مقاله داده شود. به طور کلی دیدگاه‌ها و مشاجره‌های تحلیلی زیادی نسبت به تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی وجود دارد. در بین انواع استراتژی‌های تحلیلی؛ سه سنت تحلیلی که عبارتند از؛ عقل‌گرایی، رفتارگرایی و نهادگرایی از اهمیت بیشتری برخوردارند (کالین‌های، ۱۳۹۰: ۱۸). نظریه عقل‌گرایی با هدف انتقال تجارب اقتصادی به عرصه تحلیل سیاسی و ترویج نوعی قیاس سعی دارد تا الگوی ریاضی گونه‌ای از این استراتژی تحلیلی ارائه کند. مهمترین مفروضه نظریه عقل‌گرایی در تحلیل سیاسی پررنگ کردن تأثیر کنش‌های فردی است که حول محور منفعت شخصی صورت می‌گیرد. بر همین اساس، بسیاری از رفتارهای عقلانی فردی نتایج غیرعقلانی برای جامعه در پی دارد. چرا که رانت و نفع شخصی بر رفاه اجتماعی لطمه وارد می‌کند. نمونه مشخص نفع شخصی را می‌توان در رفتار دولت مردان مشاهده کرد. در حیطه گسترده‌تر، می‌توان تأثیر ترجیحات رأی‌دهندگان بر رفتار احزاب سیاسی را در همین زمینه بررسی کرد. بنابراین در استراتژی تحلیلی عقل‌گرایی مفاهیم چون عقلانیت، معطلات کنش، رانت جوی و نفع شخصی را می‌توان مفاهیم کلیدی این استراتژی به حساب آورد. مهمترین محدودیت‌هایی که برای استراتژی عقل‌گرایی ذکر شده است، کم‌توجهی به نحوه شکل‌گیری ترجیحات و اهداف است. از جمله این کم‌توجهی‌ها در نادیده گرفتن نقش نهادها بر رفتار، قابل مشاهده است. استراتژی تحلیلی عقل‌گرایی به صورت قابل توجهی به نظریه‌های توجیه‌ناپذیر تمسک جسته که در سایه آنها به رفتارهای نوع دوستانه در نوع کنش و تحلیل سیاسی بی‌توجهی شده است. همچنین استراتژی عقل‌گرایی چندان توجهی به ادراکات معرفت‌شناختی و روند پویایی و تغییر آنها و در نهایت تأثیر آنها بر تحلیل‌ها ندارد. بنابراین پرسش‌هایی مانند چگونگی انتخاب اهداف، چگونگی تأثیر هنجارها بر اتخاذ اهداف، چگونگی انتخاب و تغییر ارزش‌ها در استراتژی عقل‌گرایی نیازمند توجه بیشتر است (ای‌گودین و تیلی، ۱۳۹۰: ۸۷).

استراتژی تحلیلی دیگر یعنی رفتارگرایی با هدف به کارگیری فنون و روش‌های آماری در تحلیل سیاسی، مروج نوعی علم قیاسی برای ساخت فرضیه‌های پیش‌بینی کننده است.

رفتارگرایان با تحلیل رفتار و کنش‌های رهبران و نخبگان سیاسی به دنبال فهم ایستارها و ارزش‌های بر نوع چرایی تحلیل‌های سیاسی هستند (مارش و استوکر، ۱۳۹۲: ۱۰۸). از جمله مفروض‌های فراگیر این استراتژی اعتبار بخشی به قوانین منطق استقرائی است به گونه‌ای که رفتار سیاسی را حاصل گذارهای قانون‌مند می‌داند. رفتارگرایی با این مفروضه که تحلیل بی‌طرفانه داده‌های خام سیاسی امکان‌پذیر است؛ تمایزی بین نمود ظاهر و واقعیت نمی‌بیند. بر همین اساس موضوعاتی چون عدم دخالت مفروضه‌های نظری و عدم دخالت داوری‌های اخلاقی در تحلیل سیاسی از موضوعات مهم استراتژی تحلیلی رفتارگرایی است. مفاهیمی چون علیت و همبستگی، معناداری آماری و تصمیم‌گیری از مفاهیم اصلی این استراتژی به حساب می‌آیند. مواردی چون بی‌توجهی به تفکیک علیت از همبستگی، گرایش به محدود شدن در متغیرهای مشاهده‌پذیر، بی‌توجهی به تأثیر وابستگی استقراء به مفروضه‌های منظم و قاعده‌مند، برداشت محدود از سیاست و قدرت، از محدودیت‌های رفتارگرایی به حساب می‌آیند. علاوه بر این بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی استقراء را روشی ناقص در تحلیل پدیده‌ها می‌دانند چرا که از نظر آنان هیچ فرایند استقرائی برای اثبات اعتبار گزاره‌های کلی از طریق مجموعه‌ای از گزاره‌های جزئی وجود ندارد (بلیکی، ۱۳۹۱: ۲۵۷).

علاوه بر دو استراتژی مذکور نهادگرایی از جمله نهادگرایی جدید شیوه تحلیلی قابل توجهی در تحلیل مسائل سیاسی است. نهادگرایی با هدف پیوند بین مفروضات نظری و واقعیت به دنبال بیان نقش نهادهای سیاسی بر تحلیل سیاسی است. از جمله مفروض‌های این استراتژی تبعیت رفتارهای سیاسی از نهادها است (حقیقت، ۱۳۹۴: ۲۲۲). به گونه‌ای که نمی‌توان بر خلاف عقل‌گرایی همیشه رفتار کنش‌گران را تابعی از ابزارهای منفعت‌مادی دانست. بر همین اساس موضوعاتی چون نقش مهم نهادها در تحلیل‌های سیاسی، ثبات بلند مدت نهادهای سیاسی و اولویت منطق اقتضا در تحلیل‌های سیاسی مهم به نظر می‌رسند. از این روی مفاهیم چون نهادها، پیوستگی، توالی و تعادل از مفاهیم اصلی این استراتژی به حساب می‌آیند. مواردی چون پررنگ کردن منطق ساختارگرایانه و بسترهای نهادی و پررنگ کردن منطق ثبات به جای دگرگونی بخشی از محدودیت‌های این استراتژی شمرده می‌شوند. در جدول زیر به قابلیت‌های سه استراتژی مذکور اشاره شده است.

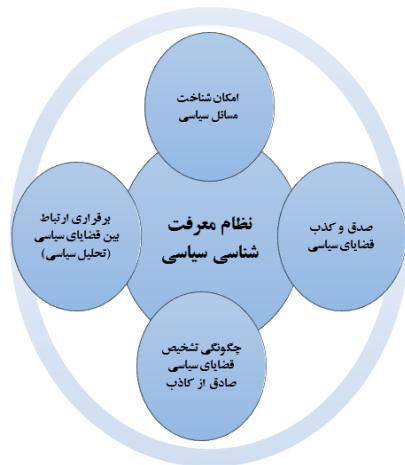
دیدگاه‌های تحلیلی، مشاجره‌های تحلیلی (کالین‌های، ۱۳۹۰: ۱۹-۴۰)

محدودیت‌ها	مفاهیم اصلی	موضوع‌های اصلی	مفروض‌های اصلی	هدف	استراتژی تحلیلی
کم توجهی به نحوه شکل‌گیری سلسله مراتب ترجیح‌ها یا اهداف/ کم توجهی به نقش نهادها بر رفتار عقلایی/ اتکا به مفروض‌های نظری توجیه‌ناپذیر/ کم توجهی به رفتارهای نوع دوستانه.	عقلانیت معضلات کنش رانت جویی نفع شخصی	نتایج غیر عقلایی اغلب رفتارهای عقلانی فردی/ لطمه رانت جوی و نفع شخصی بر رفاه اجتماعی/ ثمره نفع شخصی بی‌اعتمادی به مقامات دولتی/ تأثیر ترجیحات رای دهندگان بر رفتار احزاب سیاسی.	بازیگران فردی واحد اصلی تحلیل/سود شخصی محور اصلی تحلیل	انتقال تجارب اقتصادی به سیاست/تولید علم قیاسی در تحلیل سیاسی/ساخت الگوی ریاضی گونه برای تحلیل سیاسی	عقل‌گرایی
بی‌توجهی به تفکیک علیت از همبستگی/ گرایش به محدود شدن در متغیرهای مشاهده‌پذیر/. بی‌توجهی به تأثیر مفروضه‌های قاعده‌مند نسبت به دگرگونی‌های اجتماعی و	علیت و همبستگی معناداری آماري تصميم گيري	مفروضه‌های نظری نباید در تحلیل سیاسی دخالت کند./ قضایا و مفروضه‌های نظری برای کاربردی استقرائی نیازمند آزمون تجربی و نیازمند است/ داوری‌های اخلاقی حق دخالت در تحلیل داده‌ها و شواهد تجربی ندارند./ قدرت	قوانین فراگیر منطقی استقرائی معتبر و مناسب است/ نظم و قاعده رفتار سیاسی گزاره‌های قانون‌مند را امکان‌پذیر می‌کند./ تحلیل بی‌طرفانه داده‌های خام	به کارگیری فنون و روش‌های آماری در تحلیل سیاسی/ عرضه علم قیاسی برای ساخت فرضیه‌های پیش‌بینانه.	رفتار‌گرایی

<p>سیاسی. / بی توجهی به تاثیر وابستگی استقراء به مفروضه‌های منظم و قاعده‌مند. / برداشت محدود از سیاست و قدرت.</p>		<p>سیاسی مترادف با تصمیم‌گیری است.</p>	<p>سیاسی امکان‌پذیر است / تمایزی میان نمود یا ظاهر و واقعیت وجود ندارد.</p>	
<p>پررنگ کردن منطق ساختارگرایانه و بسترهای نهادی / ضعف در ارائه نظریه‌ها و فرضیه‌های جسورانه / پررنگ کردن ثبات به جای دگرگونی.</p>	<p>نهادها پیوستگی توالی تعادل</p>	<p>نقش واسطه‌ای بسیار مهم نهادهای سیاسی در رویدادهای سیاسی / نهادها برآمده از عرف و عادات هستند و به دشواری دگرگون می‌شوند. / بسترهای نهادی نقش قابل توجهی در اجتماعی کردن کنشگران دارند. / منطبق اقتضا بیش از منفعت جوی قابلیت تحلیل رفتارهای سیاسی را دارد. / نهادها نسبت به زمان قابلیت انعطاف‌پذیری دارند.</p>	<p>رفتار سیاسی عمیقاً تحت تاثیر نهادها است. / نظام‌های سیاسی پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی هستند. / رفتار کنش‌گران همیشه تابعی ابزاری از منفعت مادی نیست.</p>	<p>برقراری پیوند بین مفروضات نظری و واقعیت. / بیان نقش نهادهای سیاسی بر رفتار سیاسی / توجه به پیچیدگی و امکان نظام‌های سیاسی.</p>

با توجه به هدف، مفروضه‌ها، موضوع‌ها و مفاهیم استرژیک‌های تحلیلی مذکور هر کدام به نوعی نسبی‌گرایانه به تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی می‌پردازند به گونه‌ای که با تمسک به آنها نمی‌توان نظام معرفت‌شناسی یک اندیشمند در تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی را تبیین و بررسی کرد. به نظر می‌رسد مولفه‌های کلیدی دانش معرفت‌شناسی به مراتب جامع‌تر از استرژیک‌های مذکور برای کشف نظام معرفت‌شناسی یک اندیشمند قابل استفاده است. چهار مفهوم اصلی دانش معرفت‌شناسی یعنی امکان‌شناخت، صدق و کذب شناخت‌ها، تفکیک صدق از کذب و ارتباط بین قضایا این امکان را می‌دهد تا بررسی جامعی نسبت به یک نظام معرفتی به دست آوریم. بر همین اساس بدنه اصلی مقاله به چهار بخش تقسیم می‌شود که عبارتند از:

- ۱- امکان‌شناخت مسائل سیاسی اجتماعی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای؛
- ۲- صدق و کذب قضایایی سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای؛
- ۳- چگونگی تشخیص قضایایی سیاسی صادق از کاذب از نظر آیت الله خامنه‌ای؛
- ۴- نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایایی سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای.



در واقع چهار بخش مذکور هر کدام یک پرسش است که پاسخ دادن به هر یک از آنها از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای می‌تواند بخشی از پازل نظام معرفت‌شناسی سیاسی وی را مشخص کند و به میزان زیادی چگونگی تحلیل مسائل سیاسی اجتماعی را از دیدگاه وی روشن کند. در پاسخ احتمالی (فرضیه) به پرسش‌های مذکور، این چنین به نظر می‌رسد که از

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای ۱- با توجه به پذیرش رئالیسم معرفتی امکان‌شناخت پدیده‌های سیاسی وجود دارد. ۲- با وجود چند متغیر بودن پدیده‌های اجتماعی احتمال عدم مطابقت با واقع در آنها دور از ذهن نیست. ۳- برای شناخت صدق و کذب پدیده‌های سیاسی از ابزارهای شناخت بهره

گرفته می‌شود که عبارتند از؛ وحی، عقل، تجربه و شهود و مکاشفه. ۴- تجربه و عقل نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی ارتباط بین فضایی سیاسی دارند در کنار این موارد از نشانه‌های مبنایی وحی بهره گرفته می‌شود. در ادامه با توجه به چهارچوب مفهومی به چهار بخش اصلی مقاله پرداخته می‌شود.

امکان شناخت مسائل اجتماعی سیاسی

از مهم‌ترین اصول معرفت‌شناسی هر مکتب و اندیشه نوع نگاه به امکان و عدم امکان شناخت نسبت به جهان هستی است. پرسش‌های مانند این که آیا جهان هستی مستقل از ذهن انسان وجود دارد؟ آیا انسان می‌تواند از راه ادراک کیفیت‌اشیایی که جزئی از این جهان است را درک کند؟ بیانگر جایگاه این موضوع در بحث معرفت‌شناسی است. اهمیت این بحث آنگاه روشن می‌شود که موضوع به صورت مقایسه‌ای بین مکاتب فکری بررسی شود برای نمونه ایده آلیست‌ها^۱ بر این باورند که هستی اشیا چیزی نیست، جز آنچه فاعل اندیشیده و ادراک کرده است و ذهن، واقعیت‌نهایی است که جهان فیزیکی خارج، سازه‌ای وابسته به ذهن است. اما از دیدگاه مکتب اسلام جهان به طور مستقل از ذهن انسان وجود دارد و انسان می‌تواند کیفیت اشیا و پدیده‌هایی که جزئی از این جهان هستند را درک کند (مشکات، ۱۳۹۱: ۲۳۹-۲۴۰). در مقابل ایده‌آلیسم، رئالیسم^۲ فلسفی وجود دارد که جهان را سازه‌ای وابسته به ذهن نمی‌داند. رئالیسم یا واقع‌گرایی معرفت‌شناختی، پایه و اصلی مهم برای کسب معرفت در بین فلاسفه مسلمان است. برای نمونه در حکمت متعالیه جهان به عنوان واقعیتی خارج از ذهن پذیرفته شده است (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۳۱). شهید مطهری برای روشن شدن جایگاه این موضوع در فلسفه اسلامی از رئالیسم به عنوان اساس فلسفه یاد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۸). آیت‌الله جوادی آملی نیز وجود امور در خارج از ذهن را قطعی و ثابت می‌داند و معتقد است این حقیقت ربطی به فهم و درک دیگران ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

اصل امکان شناخت مسائل جهان هستی در بین مسلمانان برگرفته از قرآن است بر اساس آیات قرآن واقعیات خارج از ذهن امری بدیهی است و خداوند امکان شناخت این واقعیات را به انسان عطا کرده است. این که در قرآن کریم بارها انسان دعوت به شناخت ابعاد و مراتب

1. Idealism
2. Realism

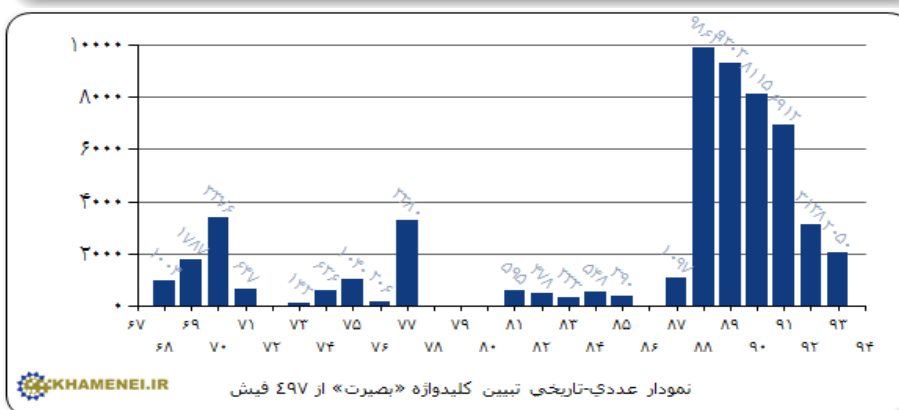
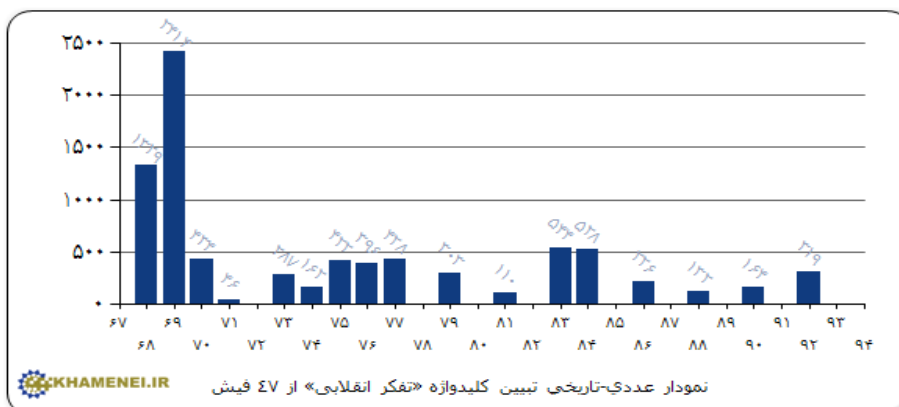
مختلف هستی شده است. مانند اشاره به شناخت آفاق و انفس در قرآن^۱ «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳)^۲ اشاره به تعلیم و تربیت بشر در قرآن «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۱۲۹)^۳ بیانگر توانایی شناخت انسان نسبت به جهان هستی است؛ همچنین کاربرد مفاهیمی (تفکر، تدبّر، نظر، علم، بصر و لب) در قرآن بر وجود این توانایی دلالت دارند. بنابراین با توجه به مبانی دینی امکان شناخت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای امری پذیرفته شده است بر این اساس در عرصه اجتماع و سیاست نیز امکان شناخت پدیده‌های سیاسی وجود دارد. تأکید آیت الله خامنه‌ای بر بصیرت در عرصه سیاسی بیانگر پذیرش امکان شناخت مسائل سیاسی از سوی ایشان است. در صورتی که امکان شناخت مقدور نباشد توصیه به شناخت و بصیرت معنا پیدا نمی‌کند بر همین اساس آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: بصیرت پیدا کردن کار سختی نیست و هر کسی می‌تواند با کنار زدن موانع و نگاه مدبرانه واقعیت را پیدا کند: بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبّر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه بصیرت، مطالبه همین تدبّر است؛ مطالبه همین نگاه کردن است؛ مطالبه چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب می‌شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است (بیانات، ۸۹/۸/۴).

استفاده آیت الله خامنه‌ای از مفاهیمی مانند بصیرت، تدبّر و تفکر که دلالت بر امکان شناخت دارند بیانگر دیدگاه ایشان درباره امکان شناخت مسائل سیاسی است (رشید زاده، ۱۳۹۳: ۲۳۶). نمودارهای زیر به کارگیری دو مفهوم بصیرت و تفکر انقلابی که در واقع بر شناخت مسائل انقلاب اسلامی تأکید دارند را به نمایش گذاشته است.

۱ (۴۱)، آیه: ۵۳. (قرآن از جهان خارج انسان به «آفاق» و از جهان درون انسان به «انفس» تعبیر می‌کند) فصلت ۱

۲. به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. فصلت (۴۱)، آیه ۵۳.

۳. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی. بقره (۲) آیه: ۱۲۹.



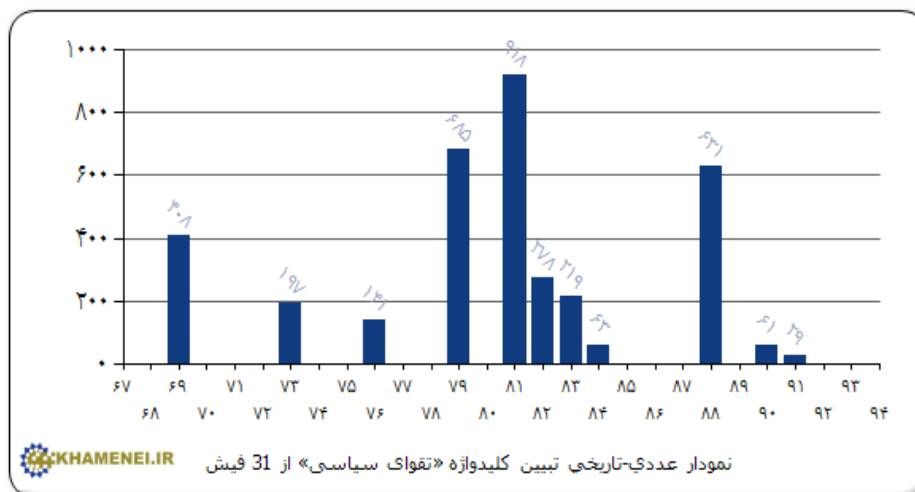
بعد از این که امکان شناخت مسائل سیاسی مشخص شد در گام بعدی برای چگونگی درک و فهم مسائل سیاسی باید به امکان صدق و کذب قضایای سیاسی پرداخت. به عبارت دیگر آیا تمامی مسائل سیاسی همانگونه که نشان می‌دهند، هستند یا امکان کذب در آنها وجود دارد. برای یافتن این پرسش از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای به امکان صدق و کذب قضایای سیاسی از نظر ایشان می‌پردازیم.

صدق و کذب قضایای سیاسی

در باب صدق و کذب هر قضیه از دیدگاه افراد، باید به تفاوت علم حضوری و علم حصولی توجه صورت گیرد. منظور از علم حضوری، فهم و آگاهی است که بدون واسطه (صورت ذهنی) برای افراد حاصل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های علم حضوری عبارتند از: عدم اتصاف علم حضوری به صدق یا کذب، خطاناپذیری، فقدان واسطه، شخصی و انتقال‌ناپذیر بودن

(حسین زاده، الف، ۱۳۸۸: ۲۷-۳۲). بنابراین موضوع صدق و کذب قضایا از حیثه علم حضوری خارج است و متعلق به علم حصولی است. برای درک و فهم صدق و کذب قضایای سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای باید بر شئون علم حصولی تمرکز کرد و بر اساس این نوع از معرفت به صدق یا کذب قضایای سیاسی پرداخت. علم حصولی علمی است که با واسطه (با صورت ذهنی) معلوم افراد قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر علم حصولی قسیم علم حضوری است. البته با تمرکز بر علم حصولی نمی‌توان علم و معرفت حضوری را در تحلیل مسائل نادیده گرفت چرا که اساساً معرفت حصولی از معرفت حضوری نشأت می‌گیرد. به بیانی دیگر به لحاظ وجود شناختی، همه معرفت‌های حصولی به معرفت حضوری ارجاع داده می‌شوند. چون علم مساوق با حضور است (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۶: ۱۶۱-۱۶۴).

با توجه به ویژگی‌های علم حصولی مانند، قابلیت اتصاف به صدق و کذب، خطاپذیری، وجود واسطه میان مدرک و مدرک و عدم امکان دستیابی به حقیقت وجود. این حقیقت که مسائل سیاسی قابلیت صدق و کذب یا خطاپذیری دارند بر کسی پوشیده نیست. آیت الله خامنه‌ای نیز با توجه به تأکید زیادی که بر بصیرت و شناخت مسائل سیاسی دارند، در عین حال می‌فرماید: این امکان وجود دارد که با وجود بصیرت، واقعیت به خوبی مشخص نشود؛ لذا می‌فرماید «گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا می‌کند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است» (بیانات، ۱۳۸۹/۸/۴). در کنار بصیرت آن چیزی که می‌تواند به فهم واقع و درک صادقانه کمک کند، تقوای سیاسی است: «تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند» (بیانات، ۱۳۸۱/۵/۵). معنویت و ارتباط با خدا که تقوای سیاسی از ثمرات آن است، همواره مورد تأکید آیت الله خامنه‌ای است، حتی در تحلیل مسائل سیاسی. «کسانی که تنها به امور مادی توجه دارند و در غفلت از یاد و ارتباط با خدا به سر می‌برند حتی در میدان سیاست نیز از جمله غافلان به شمار می‌روند» (بخارایی زاده، ۱۳۷۸: ۱۵). بر همین اساس مفهوم تقوای سیاسی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین مفاهیمی است که در بیانات سیاسی آیت الله خامنه‌ای به کار برده شده است. نمودار زیر بیانگر این ادعا است.

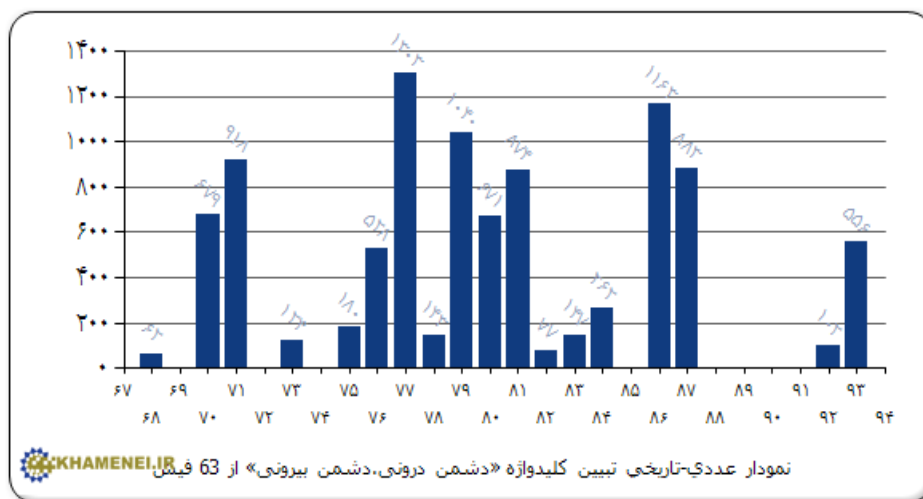


دلیل اصلی خطا پذیری و قابلیت صدق و کذب قضایای سیاسی وجود واسطه میان عالم و معلوم است. به لحاظ معرفت شناختی در علم حصولی حکایت‌گری به معنایی کاشفیت مطلقه، قضایای سیاسی به وسیله صورت یا مفاهیم ذهنی رخ می‌دهد زیرا احکامی مانند حکایت، تصور، تصدیق، یقین، شک و... به علم حصولی اختصاص دارند (حسین زاده، الف، ۱۳۸۸: ۵۶). نکته‌ای دیگر که در قضایای سیاسی باید توجه شود این است که یک شخص نمی‌تواند تمامی پدیده‌ها، رخ دادها و اتفاق‌های سیاسی را حضوراً مشاهده کند و از آنها تصویرسازی کند، بلکه غالب گزاره‌ها از طریق رسانه‌ها و رابطه‌ها با واسطه‌های متعدد در اختیار یک فرد قرار می‌گیرد و در واقع چندین مرحله تصویرسازی و مفهوم‌سازی صورت گرفته است. البته امروزه با پیشرفت‌های تکنولوژیک بسیاری از حوادث سیاسی به وسیله مستندسازی و ارائه قابل مشاهده است که می‌تواند به فرد مورد نظر امکان تصویرسازی و مفهوم‌سازی بدون واسطه‌های متعدد را محیا کند. با این وجود آنچه مورد اتفاق است امکان صدق و کذب قضایای سیاسی است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز امکان صدق و کذب قضایای سیاسی پذیرفته شده است. لذا ایشان همواره توصیه می‌کنند برخی اتفاقات در عرصه سیاست ساختگی دشمن است (بخارایی زاده، ۱۳۷۸: ۱۵) و باید به آن توجه داشت و فریب نخورد. لذا می‌فرماید:

ای ملت ایران! ای جوانان عزیز! ای روشنفکران! ای مجموعه‌های سیاسی! «اتقوا الله»؛ از خدا بترسید و پرهیزگار باشید... تقوای خدا به این است که فریب دشمن را نخوریم و تسلیم تحمیل

دشمن نشویم. دشمن می‌خواهد بین ما اختلاف بیندازد. دشمن آرزو می‌کند که بین مسؤولان اختلاف باشد. دشمن آرزو می‌کند که در ایران جنگ داخلی باشد. دشمن نمی‌تواند ببیند که جمهوری اسلامی توانسته است این کشور را امن و آرام نگه دارد. در هر جایی و به هر بهانه‌ای، چه جهالت کسی یا کسانی، چه غرض‌ورزی کسی یا کسانی،... (بیانات، ۱۳۷۹/۱/۲۶).

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای وارونه جلوه کردن قضایای سیاسی، هم می‌تواند به وسیله دشمن درونی و هم می‌تواند به وسیله دشمن بیرونی صورت گیرد (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۵). بنابراین با بصیرت باید توطئه دشمن بیرونی را شناخت و با تقوا توطئه دشمن درونی را مراقبت کرد لذا توصیه و توجه به این دو دشمن به صورت گسترده در بیانات آیت الله خامنه‌ای رهبری به کار رفته است. نمودار بیانگر اهمیت این دو دشمن در اندیشه مقام معظم رهبری است.



آنچه که مهم است و در نظام معرفت‌شناسی آیت الله خامنه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد چگونگی تشخیص قضایای سیاسی صادق از کاذب است و در نهایت چگونگی نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی صادق است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

چگونگی تشخیص قضایای سیاسی صادق از کاذب

در بخش اول مشخص شد، امکان شناخت مسائل سیاسی وجود دارد، و در بخش دوم با توجه به قابلیت علم حصولی به صدق و کذب، امکان صدق و کذب قضایای سیاسی نیز

مشخص شد. پرسشی که در این بخش از مقاله مطرح است این است که چگونه یک اندیشمند، قضایای سیاسی صادق از کاذب را از هم دیگر تشخیص می‌دهد؟ برای دست‌یابی به پاسخ این پرسش باید به ابزارهای معرفت‌شناسی رجوع کرد. در اینجا ابزارهای معرفت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی می‌کنیم تا به چگونگی تشخیص قضایای سیاسی صادق از کاذب از دیدگاه وی دست‌یابیم.

به طور کلی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ابزارهای معرفت عبارتند از؛ حواس، عقل، وحی و الهام، شهود یا مکاشفه و مرجعیت. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به این ابزارها به تشخیص قضایای سیاسی صادق از قضایای سیاسی کاذب می‌پردازد. از بین ابزارهای مذکور حس فراگیرترین ابزار معرفت است (حسین زاده، ج، ۱۳۸۵: ۳۸). قرآن کریم نیز به این ابزار اشاره کرده است و می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸)^۱ شهید مطهری (ره) نیز درباره حس می‌نویسد: «در این که حس یکی از مبادی شناخت است شک و تردیدی نیست؛ یعنی حس شرط لازم شناخت هست، اما شرط کافی برای شناخت نیست» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۳۵۶).

دومین ابزار معرفت عقل است عقل جایگاه ویژه‌ای در بین ابزار معرفت دارد. شهید مطهری در باره اهمیت نقش عقل در شناخت می‌گوید: «علاوه بر حواس، انسان نیاز به یک امر و یا امور دیگری دارد. انسان برای شناختن، به نوعی تجزیه و تحلیل و گاهی به انواع تجزیه و تحلیل نیاز دارد. تجزیه و تحلیل، کار عقل است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۳۵۷). عقل به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود: حکیم ملا صدرا در کتاب مبدء و معاد خود عقل نظری را (قوه عالمه) و کار او را ادراک تصورات و تصدیقات می‌داند. عقل عملی را (قوه عامله) و وظیفه او را استنباط صناعات انسانی و تشخیص قبح و جمیل در فعل و ترک است (وحیدی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). رابطه عقل عملی و نظری در شناخت انسان نقش اساسی دارند هم چنان که قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق: ۱۲)^۲ این آیه بیانگر عقل نظری است به این معنا که

۱. «و خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی‌دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید» نحل (۱۶)، آیه: ۷۸.

۲. خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. «طلاق (۶۵) آیه: ۱۲.

خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید تا شما بدانید خداوند عالم و قادر است. چون عقل نظری، عهده‌دار اندیشه و تفکر است، برای رسیدن انسان به هدف و کشف حقایق عالم نقشی اساسی دارد. همچنین آیات مانند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)^۱ به عقل عملی می‌پردازد. در این آیه هدف آفرینش عبادت و بندگی معرفی شده است. عبادت و بندگی هم بدون عقل عملی تحقق نمی‌یابد (جوادی آملی، ب، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

آیت الله خامنه‌ای نیز در تحلیل مسائل سیاسی به عقل و نقش معرفتی آن اهمیت ویژه قائل هستند. لذا می‌فرمایند: «خدا راه و وسیله شناخت راه را در مقابل ما قرار داده و آن، خرد و اندیشه و قدرت تأمل و عقلی است که در وجود ماست» (بیانات، ۱۳۷۱/۲/۲۳). وی به قدرت عقل در شناخت مسائل سیاسی به آسیب‌های متوجه عرصه سیاست به بهانه خرد وزی اشاره می‌کنند و معتقدند سیاسی کاری و سیاسی بازی مساوی با عمل عقلانی نیست. از نظر وی عقل آن چیزی است که انسان را به راه راست هدایت کند، همان معنایی که در روایت از عقل آمده است: «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» (الکلینی، ۱۳۵۰، ج ۱: ۱۱). آیت الله خامنه‌ای معتقدند در این که چگونه متوجه شویم عقلانی عمل می‌کنیم باید بین خود و خدای خودمان حجتی وجود داشته باشد تا این که انسان به تصور عمل عقلانی خود را فریب ندهد. لذا می‌فرمایند: «عقل این است که انسان را به راه راست هدایت می‌کند. اشتباه می‌کنند آن کسانی که خیال می‌کنند با سیاسی کاری، عقلانی عمل می‌کنند؛ به خودمان مراجعه کنیم؛ افضی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار می‌کنیم؛ بفهمیم چه می‌گوییم؛ چه حرکتی می‌کنیم» (بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲).

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای با تقویت کردن قدرت تفکر در جامعه می‌توان مشکلات را حل کرد رسالتی که انبیا بر عهده داشتند شوراندن قدرت تفکر بود. از دیدگاه وی با شکوفایی عقل انسان به عبودیت خود پی می‌برد و درک جایگاه خود در نظام هستی اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز را کنار می‌گذارد.

اولین کار پیامبر مکرم اثاره عقل است، بر شوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این، حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار

۱. «و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند». ذاریات (۵۱)، آیه: ۵۶.

می‌کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این است (بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

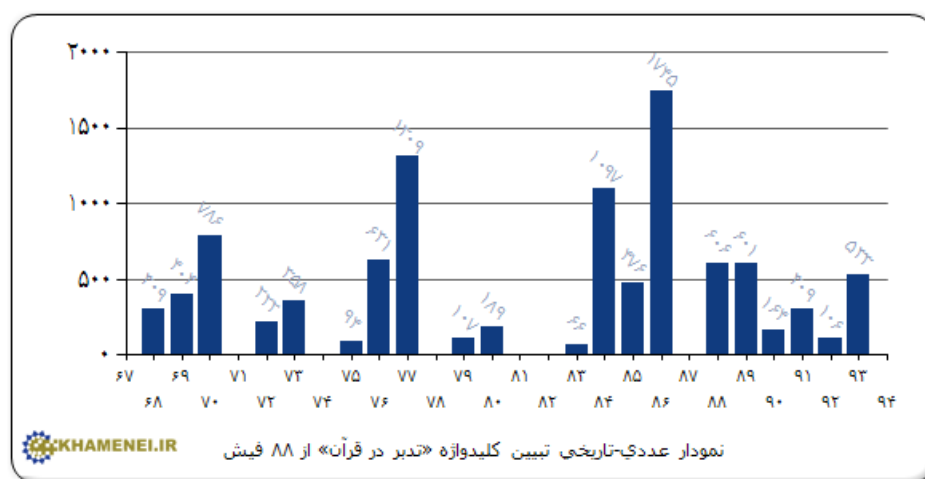
سومین ابزار معرفت‌شهود و کاشفه است؛ به این معنا که فرد واقعیت را بدون واسطه بیابد. استفاده از این ابزار به طور کامل نیازمند مقدماتی است، بر همین اساس انسان‌های معمولی به راحتی نمی‌توانند از این ابزار استفاده کنند. البته معرفت‌های شهودی مانند معرفت به خود و قوای خود از جمله معرفت‌های شهودی است که انسان‌ها به آن شناخت پیدا می‌کنند (حسین زاده، الف، ۱۳۸۸: ۴۲). در قرآن به این نوع از ابزار معرفت اشاره شده است؛ آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)^۱ شهید مطهری (ره) در توضیح این آیه می‌نویسد: «خلوص نیت داشته باشند، اخلاص بورزند، از یک راه‌های غیبی هدایتشان می‌کنیم، نور به آنها می‌دهیم، حکمت به آنها می‌دهیم تا حقایق زندگی را خوب درک کنند و بفهمند، تا فکرشان بازرتر، عقلشان روشن‌تر و چشمشان بازرتر شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ۳۶۸). بر اساس مبانی اسلامی شهود و مکاشفه یکی از ابزارهای معرفت است در این که افراد به چه میزان از این ابزار بهره می‌برند؟ به دلیل امری شخصی بودن، نمی‌توان به میزان و چگونگی آن ورود پیدا کرد. اما آنچه که مسلم است چون این معرفت‌ها با صور ذهنی حکایت می‌شوند به عرصه علم حصولی ورود پیدا می‌کنند. در این صورت امکان خطاپذیری در آنها به وجود می‌آید (حسین زاده، ب، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

چهارمین ابزار معرفت وحی است این ابزار به طور خاص مختص به انبیا الهی است. در اینجا قرآن کریم (وحی) به عنوان ابزار معرفت مد نظر است این ابزار از اساسی‌ترین شیوه‌های کسب معرفت به شمار می‌رود. در خود قرآن کریم نیز به این ابزار اشاره شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)^۲ آیت الله خامنه‌ای با اطمینان و یقین، مدام از این ابزار در تحلیل مسائل سیاسی بهره می‌برد، ایشان همواره به محوریت قرآن در زندگی توصیه می‌کنند: «راه‌های زندگی را باید از اسلام و قرآن و الهام الهی وحی گرفت» (بیانات، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸). ایشان معتقد است چون خداوند متعال آفریننده انسان

۱. «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است» عنکبوت (۲۹)، آیه: ۶۹.

۲. «و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جو یا شوید»، نحل (۱۶)، آیه: ۴۳.

است پس هر آنچه به وسیله وحی به عنوان دین مطرح شده است در زندگی انسان راه‌گشا است: «وحی مال خدا است؛ خدا آفریننده من و شما است. من نمی‌گویم هر چه به نام دین در دهان‌ها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه از همان دین صحیح که با شیوه درست استنباط و به وسیله اهل و شایستگان این کار انجام می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۹۳/۱/۳۱). از نظر آیت الله خامنه‌ای بهترین‌های زندگی فردی و اجتماعی در قرآن وجود دارد: «قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روش‌های عمل فرد و جامعه هدایت می‌کند» (بیانات، ۱۳۷۷/۹/۱). نمودار زیر بیانگر اهمیت و نقش وحی (قرآن) در تحلیل مسائل از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای است.



بعد از تشخیص قضایای سیاسی صادق از کاذب که به وسیله ابزارهای معرفت محقق می‌شود. بخش اصلی نظام معرفت‌شناسی در تحلیل مسائل سیاسی معنا پیدا می‌کند و آن نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی صادق است که امروزه از آن به تحلیل مسائل سیاسی یاد می‌شود. در ادامه چگونگی ارتباط بین قضایای سیاسی به عبارت دیگر چگونگی تحلیل مسائل سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای را بررسی می‌کنیم.

نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی

نتیجه نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی به تحلیل می‌انجامد. در واقع در این مرحله تحلیل سیاسی شکل می‌گیرد. با یک مثال به خوبی می‌توان فرآیند نظام معرفت‌شناسی

سیاسی و تبدیل آن به تحلیل سیاسی را بیان کرد. آمریکا و تحلیل‌های نسبت به آن مثال مناسبی برای تبیین این موضوع است. در گام اول امکان شناخت دشمنی‌های آمریکا با انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. گام دوم امکان صدق و کذب درباره گزارش‌های دشمنی آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی مشخص می‌شود. در گام سوم با ابزارهای معرفت گزارش‌های صادق و کاذب نسبت به دشمنی‌های آمریکا با انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. در گام چهارم ارتباط بین قضایای صادق برقرار می‌شود. این ارتباط به وسیله بهره‌گیری از ابزارهای معرفت تشکیل می‌شود. به هر میزان که فرد بتواند بین داده‌های حاصل از ابزارهای معرفت ارتباط برقرار کند به همان میزان امکان مطابقت تحلیل‌های او با واقع نزدیکتر می‌شود. برای نمونه یک سیاستمدار صرفاً با ابزار عقل مسائل سیاسی را تحلیل می‌کند، سیاستمدار دیگری در کنار عقل از ابزار تجربه نیز بهره می‌برد؛ طبیعی است که فردی که بین داده‌های عقلی و تجربی جمع کند، تحلیل متقن‌تری ارائه خواهد کرد. برای نمونه برخی احساس توطئه در ادراکات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نتیجه بی‌اعتمادی نسبت به سایر بازیگران می‌دانند که در اینجا نقش عقل و تجربه پررنگ است. از یک سو عقل حکم می‌کند که رقیب و دشمن توانمند دائم در حال توطئه است؛ از سوی دیگر تجربه ثابت می‌کند که در طول تاریخ توطئه علیه یک کشور دارای موقعیت ژئوپلیتیک و برخوردار از منابع طبیعی اقدامی معمول است (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳). بر اساس تحلیل‌های این چینی قدرت بازدارندگی و درک عمیق نسبت به سایر دولت‌ها در کنار کاهش دخالت بیگانگان می‌تواند، تئوری توطئه را در نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی از بین ببرد (فولر، ۱۳۷۳: ۲۶).

اما در بین اندیشمندان مسلمان وحی و معرفت‌های وحیانی جایگاه ویژه‌ای در تحلیل مسائل سیاسی دارند. در این صورت یک اندیشمند مسلمان در کنار تجربه و عقل از وحی نیز بهره می‌برد. این نوع از ترکیب در تحلیل‌های آیت‌الله خامنه‌ای به صورت گسترده‌ای وجود دارد. به عبارت دیگر وی در تحلیل مسائل کلان سیاسی داده‌های تجربی را با سنجش عقلانی و تطبیق وحیانی در کنار هم در نظر می‌گیرد. برای نمونه نسبت به مساله آمریکا علاوه بر داده‌های تجربی مانند توطئه‌های آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت از رژیم پهلوی در تمامی زمینه‌ها، چشم پوشی بر اقدامات ساواک و کشتارهای متعدد رژیم پهلوی، حمله نظامی به طبرستان، کودتای

نوژه، حمایت از صدام، حمایت از منافقین، سرنگون کردن هواپیمایی مسافربری و تحریم‌های غیر انسانی به بهانه‌های واهی و... (غضنفری، ۱۳۸۴: ۷۳) به ماهیت و شاخص‌های استکبار که به وسیله قرآن معرفی شده است، نیز توجه دارند. بنابراین ارتباط برقرار کردن بین قضایای سیاسی به وسیله ابزارهای معرفت صورت گیرد از بین ابزارهای معرفت حس (تجربه)، عقل و وحی نقش کلیدی را ایفا می‌کنند.



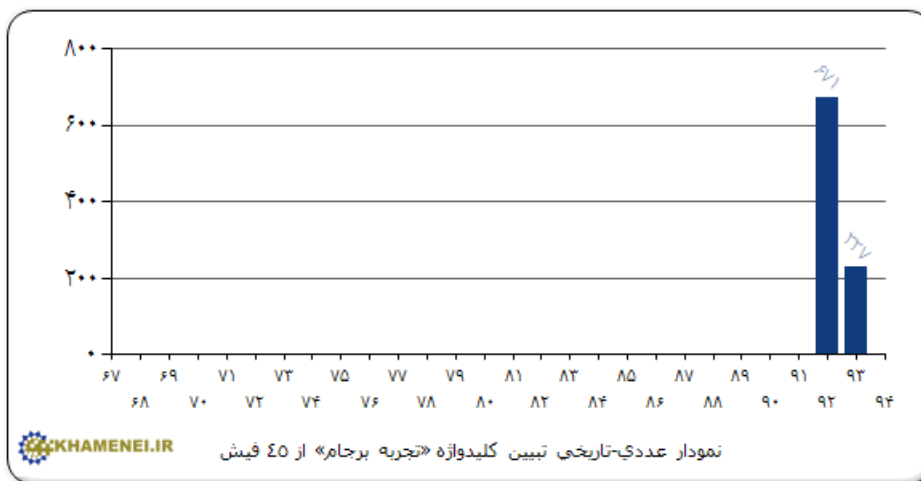
در بررسی تحلیل‌های آیت الله خامنه‌ای نسبت به مسائل سیاسی شاهد ترکیب داده‌های تجربی، سنجش عقلانی و تطبیق وحیانی هستیم. در ادامه به توضیح این سه مولفه در نظام معرفت‌شناسی تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی آیت الله خامنه‌ای می‌پردازیم. و شواهدی از چگونگی ترکیب را ارائه می‌دهیم.

داده‌های تجربی: از ویژگی‌های علم حصولی این است که با واسطه صورت حکایت‌گر، برای عالم تحقق پیدا می‌کند. بنابراین با از بین رفتن معلوم همچنان صورت ذهنی آن باقی می‌ماند، در صورتی که تصویر ذهنی موجود در ذهن دارای اهمیت باشد و مصادیق آن قابل تکرار باشد، چنین تصویری برای همیشه در ذهن فرد باقی می‌ماند. بر همین اساس آیت الله خامنه‌ای با استفاده از تصویر ذهنی که از قضایای سیاسی گذشته دارند برای تحلیل قضایای سیاسی فعلی بهره می‌برند، برای نمونه در موضوع خوی استکباری دولت آمریکا، تصویر ذهنی که از نابودی هواپیمایی مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی در ذهن آیت الله خامنه‌ای رهبری شکل گرفته است در تحلیل‌های کنونی وی درباره میزان پایبندی آمریکا به قوانین انسانی و بین‌المللی نقش دارد. این تصور ذهنی آیت الله خامنه‌ای از عملکرد سیاست‌مداران آمریکا وی را

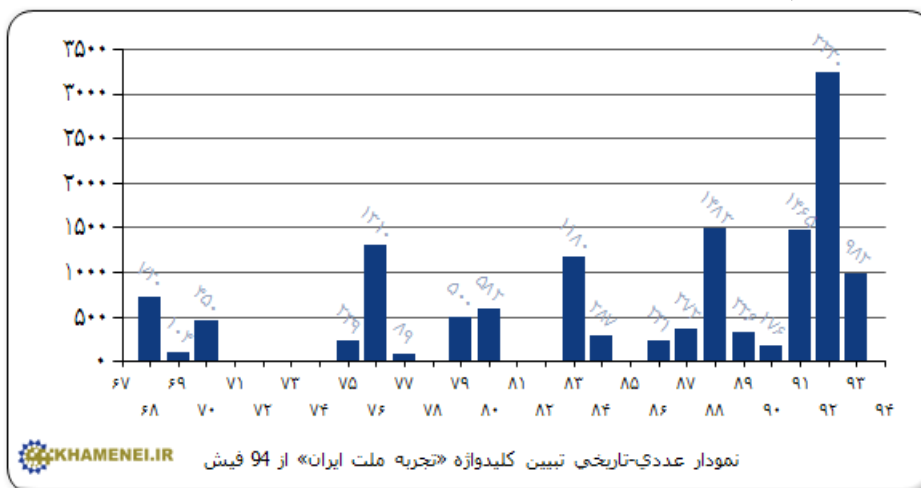
به تصدیق یا همان فهم درست بودن یک قضیه می‌رساند و آن قضیه چیزی نیست جز عدم پابندی آمریکا به تعهدات و قوانین بین‌المللی. فهم درست بودن یک قضیه خود به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) ظن یا همان گمان: به زمانی اختصاص دارد که تصدیق کننده با وجود علم به تصدیق همچنان احتمال ضعیفی وجود دارد که شاید این قضیه صادق نباشد. ب) جزم یا همان اطمینان: زمانی است که تصدیق کننده صد در صد به صادق بودن قضیه اطمینان دارد. بنابراین تحلیل‌های آیت‌الله خامنه‌ای گاه به صورت تصدیق ظنی است و گاه به صورت تصدیق جزمی^۱ است، منظور از تصدیق جزمی، جزم مطابق با واقع است، در برخی موارد تصدیق قضایا یا یک گام جلوتر رفته و به جزم مطابق با واقع و زوال‌ناپذیر تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر علاوه بر جزمی بودن و مطابقت تصدیق با واقع، چنین تصدیقی با شبهه و اشکال «صدق» خود را از دست نمی‌دهد؛ چون متکی به عللی است که همچنان موجود هستند. در صورتی که علل همچنان وجود داشته باشند؛ معلول نیز همچنان پابرجاست (فیاضی، ۱۳۸۶: ۵۸). بر این اساس تحلیل‌های آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به ماهیت استکباری آمریکا همچنان وجود خواهند داشت؛ چرا که علل آنها (یعنی جنایت‌ها، خیانت‌ها و دخالت‌های آمریکا) همچنان وجود دارد.

بهره‌گیری از داده‌های تجربه در تحلیل‌های آیت‌الله خامنه‌ای به صورت گسترده وجود دارد، برای نمونه در تحلیل‌های سیاسی نسبت به مساله برجام^۲ و عدم اعتماد ایشان به آمریکا و مذاکره با آن، با رد هرگونه توهم یا سطحی‌نگری با تکیه بر تجربه تحلیل خود را ارائه می‌دهد و درباره مذاکره با آمریکا بیان می‌کنند: «هیچ‌وقت نسبت به مذاکره با آمریکا خوش‌بین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم... حالا اگر یک روزی - ما که در آن روز قاعدتاً نخواهیم بود - شماها ان‌شاءالله در جریان حوادث و جزئیات و یادداشت‌ها و نوشته‌های این روزها قرار بگیرید، خواهید دید که تجربه ما از کجا حاصل شده؛ تجربه کردیم» (بیانات، ۲۰/۰۱/۱۳۹۴) نمودار زیر تنها در قضیه برجام به خوبی نشان می‌دهد که چگونه آیت‌الله خامنه‌ای سعی دارند با بهره‌گیری از تجربه شیوه صحیح تحلیل مسائل سیاسی را آموزش بدهند.

۱. جزم به معنایی عام شامل تصدیق‌های جزمی، جزم تقلیدی و یقین بالمعنی الاخص منطقی تقسیم می‌شود (فیاضی، ۱۳۸۶: ۵۷)



آیت الله خامنه‌ای با توجه به تجربه در چرایی تحریم‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی بر خلاف برخی تحلیل‌گران سیاسی، دلیل تحریم‌های آمریکا علیه ملت ایران را دشمنی با انقلاب اسلامی می‌داند (بیانات، ۱۳۹۵/۸/۱۲). به طور کلی در بیانات آیت الله خامنه‌ای استفاده از تجربه یکی از پایه‌های اصلی تحلیل مسائل سیاسی ایشان را شکل می‌دهد. برای نمونه در نمودار زیر به کارگیری مفهوم «تجربه ملت ایران» نشان از تاکید ایشان بر نقش تجربه است.



امتیاز آیت الله خامنه‌ای در بهره‌گیری از تجربه به این است که وی صرفاً بر داده‌های تجربی تاکید نمی‌کند بلکه هوشمندانه به ترکیب داده‌های تجربی و سنجش عقلانی می‌پردازد و از نگاه جزمی به داده‌های تاریخی خودداری می‌کنند. نمونه‌ای از ترکیب داده‌های تجربی با سنجش

عقلانی؛ استفاده از حوادث صدر اسلام است. برای نمونه ایشان با اشاره به جایگاه طلحه و زبیر و سوابق درخشان آنان در صدر اسلام به چگونگی انحراف آنان اشاره می‌کنند؛ این که چگونه زبیر که در ماجرای به خلافت رسیدن ابوبکر از علی (ع) حمایت کرد بعد از ۲۵ سال در مقابله امیرالمومنین علی (ع) قرار گرفت را به عنوان نمونه ذکر می‌کنند و با استناد به این حادثه تاریخی و بهره‌گیری از آن به سنجش عقلانی شرایط فعلی افراد می‌پردازند و جزم‌گرایی تجربی را رد می‌کنند (بیانات، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

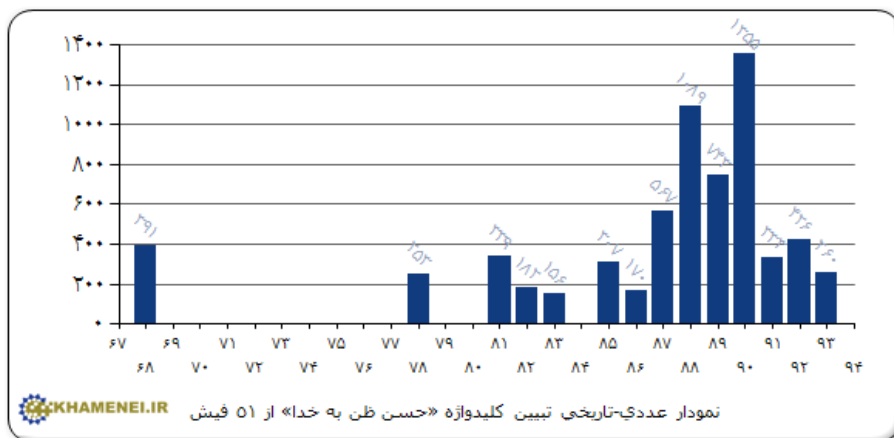
سنجش عقلانی: موضوع دیگری که در نظام معرفت‌شناسی تحلیل مسائل سیاسی آیت الله خامنه‌ای قابل پیگیری است استفاده از تصورات کلی است که به تعبیر ابن سینا علم و تعقل نام دارد، منظور از تصور کلی مفهومی است که صدق آن بر بیش از یک مصداق امکان پذیر است، مانند مفهوم ظلم که بر مصادیق متعددی صادق است، در مقابل تصور کلی تصور جزئی قرار دارد که تنها بر یک مصداق صدق می‌کند.^۱ بر این اساس می‌توان از صدق قضایای مانند عزم دشمن بر نابودی انقلاب اسلامی، عزم دشمن بر نابودی هم‌پیمانان استراتژیک جمهوری اسلامی را نتیجه گرفت. بنابراین حزب الله لبنان به عنوان شریک استراتژیک ایران همانند کشورمان از سوی غرب مورد هجمه قرار می‌گیرد. در تحلیل‌های آیت الله خامنه‌ای به صورت گسترده شاهد سنجش عقلایی قضایای سیاسی هستیم. هم‌چنان که آیت الله خامنه‌ای داده‌های تجربی را با سنجش عقلانی ترکیب می‌کند و تحلیل ارائه می‌دهد. برای تأیید و اطمینان از مدرکات عقلانی نیز به تجربه رجوع می‌کنند. برای نمونه در قضیه مذاکره با آمریکا با وجود سنجش‌های عقلانی و آشکار بودن منطق زورگویی آمریکا، به تجربه نیز استناد می‌کند تا با تحلیلی جامع مخاطب را قانع کند که دولت آمریکا قابل اعتماد نیست. در اینجا از تجربه دولت مصدق استفاده می‌کنند:

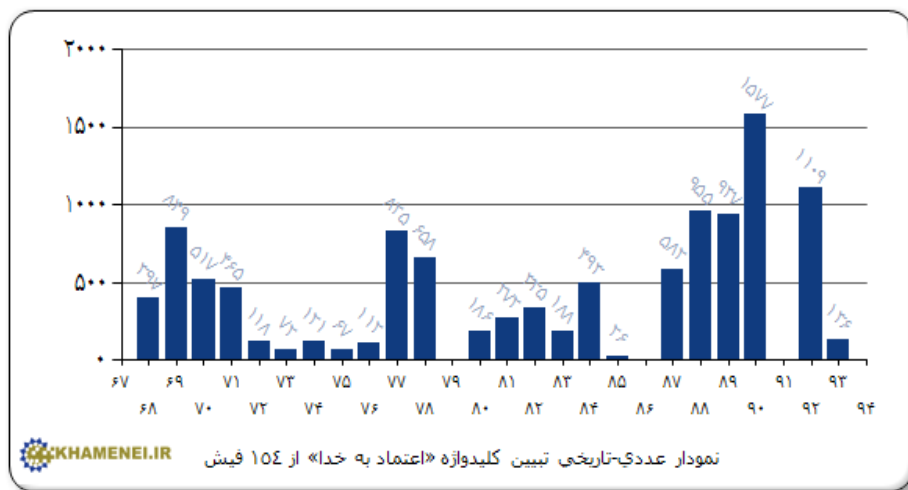
بعضی‌ها هستند که می‌گویند حالا یک‌جوری، مثلاً یک‌ذره، با آمریکا کنار بیایم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آنهایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق. (۴) دکتر مصدق برای این که بتواند با انگلیسی‌ها مبارزه کند و در مقابل انگلیس‌ها بایستد به خیال خودش، رفت سراغ آمریکایی‌ها؛ با آنها ملاقات کرد، مذاکره کرد و درخواست کرد؛ [به آنها] اعتماد کرد. کودتای بیست‌وهشتم مرداد نه به وسیله‌ی انگلیس بلکه به وسیله‌ی آمریکا در ایران

۱. ر. ک: مظفر، محمد رضا، (۱۳۶۸)، المنطق، ج ۱، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ص ۶۷.

انجام گرفت، علیه مصدق. یعنی حتی به امثال مصدق هم اینها راضی نیستند؛ اینها نوکر می‌خواهند، سرسپرده می‌خواهند، توسری‌خور می‌خواهند؛ مثل چه کسی؟ مثل محمدرضای پهلوی و... (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۶/۸/۱۱).

تطبیق و حیانی: حلقه پر رنگ و کاربردی نظام معرفت‌شناسی تحلیل‌های سیاسی آیت الله خامنه‌ای استناد به قرآن کریم است. به عبارت دیگر پذیرش برخی فراروایت‌ها و اصول ثابت نقش قابل توجهی در تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی دارد. چیزی که در استراتژی‌های تحلیلی جهان مدرن پذیرفته نمی‌شود به گونه‌ای که فقدان ایمان به فراروایت، نوعی پیشرفت عقل به سوی جامعه بهتر به حساب می‌آید (نش، ۱۳۹۳: ۱۰۱). عکس این برداشت در نظام معرفت‌شناسی آیت الله خامنه‌ای وجود دارد و ایشان با پذیرش اصول ثابت اسلامی تمسک به این اصول را رمز موفقیت می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۶۹). وی با توجه به داده‌های تجربی و سنجش عقلانی پدیده‌های سیاسی به صورت گسترده از آموزه‌های و حیانی بهره می‌برد و با تطبیق داده‌های تجربی و عقلانی تحلیل ارائه می‌دهد. نمودارهای زیر نمونه‌ای از توجه ایشان به معرفت‌های و حیانی است.





اعتماد و حسن ظن به خداوند متعال همواره تحلیل‌های آیت الله خامنه‌ای و به طور خاص تحلیل‌های متعلق به آینده را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه ایشان با استفاده از آیه ۱۲۲ سوره نساء «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» با اطمینان در تحلیل‌های سیاسی آینده را از آن اسلام می‌داند (معاونت سیاسی، ۱۳۸۱: ۵۰۱). با وجود این که صراحت وحی وجود دارد باز سنجش و حیانی را با داده‌های تجربی ترکیب می‌کند تا پذیرش تحلیل سیاسی برای مخاطب راحت‌تر باشد و می‌فرماید اگر با این وعده الهی دل آرام نشود با تجربه می‌توان صدق چنین قضیه‌ای را به دست آورد.

آنچه آینده دارد، آن اسلام است، آن قرآن است، آن شما جوان‌های مؤمن هستید؛ آن که آینده دارد شما جوانان مؤمن هستید. الان می‌خواندند که «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»؛ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ چه کسی از خدا به آینده عالم‌تر است؟ و خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مؤمنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی سبیل‌الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک وعده‌ی الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض می‌کنم و با همه وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنان چه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی‌چهار سال پیش به این طرف دارد، باید یقین

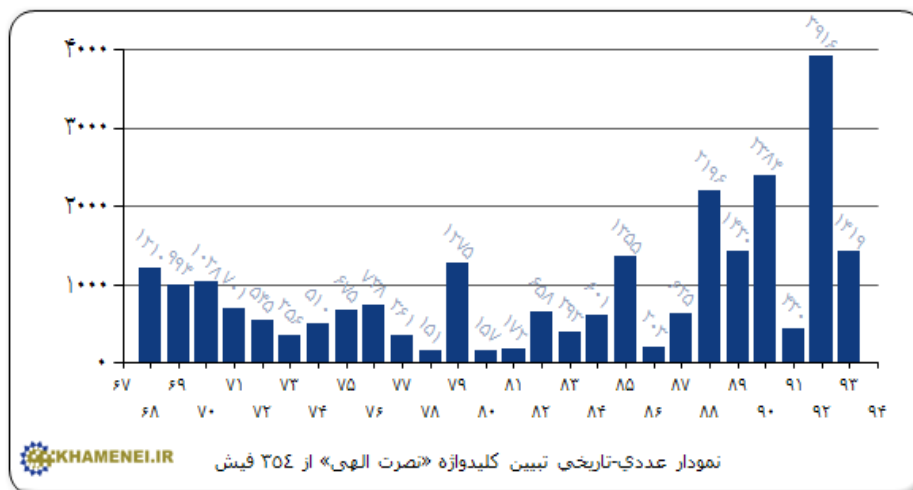
۱. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادق‌تر باشد؟!

می‌کرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین می‌کرد که پیروزی متعلق به او است (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۶/۳/۶).

از نظر آیت الله خامنه‌ای استقامت و پیروزی ملت ایران در مدت چهل سال مقابل جبهه قدرتمند مادی با توطئه‌های سیاسی و نظامی در سطح منطقه و نظام بین‌الملل تجربه مناسبی است تا انسان به وعده‌های الهی در قرآن یقین داشته باشد: « این‌ها همان تجربه‌های ما است؛ این تجربه‌ها را در نظر بگیریم و بدانیم که راه پیشرفت قوی، قدرتمندانه، با عزت و موفق عبارت است از ارتباط با قرآن؛ مادر همه‌ی این خیرات، این کتاب عزیز الهی است» (بیانات، ۱۳۹۶/۳/۶). با چنین تحلیلی می‌توان نقش پرنگ تطبیق و حیانی و ترکیب آن را با تجربه و سنجش عقلانی را مشاهده کرد. در واقع نقطه تفاوت تحلیل‌های سیاسی آیت الله خامنه‌ای نسبت به سایر تحلیل‌گران در این نهفته است که وی از همه ابزارهای معرفت بهره می‌برد از دیدگاه ایشان اگر کسی بخواهد بر اساس تحلیل‌های صرفاً عقلانی ایستادگی ملت ایران مقابل جبهه استکبار را تحلیل کند با ناامیدی نسبت به آینده مواجه خواهد بود اما آیت الله خامنه‌ای با استفاده از آموزه‌های و حیانی قرآن کریم و تجربه در تحلیل‌های خود، آینده را روشن ارزیابی می‌کند.

ملت ایران توانست با قدرت ایمان، با مجاهدت، با فداکاری، این حکومت را برخلاف همه‌ی پشتیبانی‌های جهانی‌ای که از او می‌شد ساقط کند و به جای او چیزی را سر پا کند که قدرت‌های استکباری طاقت دیدن آن را ندارند؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی؛ این یک تجربه دیگر از این تجربه بهتر؟ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ایمان اگر [حاصل] شد، شما برترید. در راه ایمان قوی باشید، صریح باشید، ثابت‌قدم باشید (بیانات، ۱۳۹۶/۳/۶).

موارد زیادی در بیانات ایشان وجود دارد که بیانگر استفاده از منابع و حیانی در تحلیل‌های سیاسی است که ذکر همه آنها در این مقاله میسر نیست در پایان به یک مورد دیگر که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل‌های آیت الله خامنه‌ای دارد اشاره می‌کنیم و آن اعتماد وی به نصرت الهی و تأثیر این اعتماد در چگونگی تحلیل است. نمودار زیر نشان‌دهنده اهمیت و نقش نصرت الهی در تحلیل‌های ایشان است.



از دیدگاه وی هر کس به خدا توکل کند و نصرت الهی را باور کند مطمئن باشد خدا او را یاری می‌کند و کسی را که خدا یاری کند پیروز خواهد بود و آینده متعلق آنهاست. به خداوند توکل کنید، وعده نصرت الهی را باور کنید؛ *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ*. در آیه دیگر، *وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ*؛ [آن‌هم] با تأکید! شما در راه اقامه دین، احیاء دین، ایجاد حاکمیت دین خدا هستید، این نصرت الهی است، پس مطمئن باشید که خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد. در مقابل دین ستیزی‌ها و قانون شکنی‌ها آرام نشینید، بی تفاوت ننماید و بدانید ان شاء الله آینده متعلق به شما است (بیانات، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲).

با چنین رویکردی آیت الله خامنه‌ای نسبت به تحولات سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صاحب نظر و تحلیل است. تحلیل‌های وی نسبت به پیروزی انقلاب اسلامی، مقابله با استکبار جهانی، چگونگی کنش‌های سیاسی در آینده، برگرفته از نوع نگاه و نظام معرفت‌شناسی ایشان در تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی است: «خود را با قرآن تطبیق دهیم. اخلاق خود را، رفتار خود را، با دوستان، با معارضان و معاندان، با مستکبران، طبق برنامه قرآن تنظیم کنیم» (بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا با تبیین تفاوت دانش معرفت‌شناسی با سایر دانش‌های همگن، همچنین توجه به نسبیّت استراتژی‌های تحلیلی غالب در عرصه سیاست مانند عقل‌گرایی، رفتارگرایی و

نهاد گرایی به چارچوب نظری معرفت‌شناسی متشکل از چهار سوال کلیدی به بررسی نظام معرفت‌شناسی آیت الله خامنه‌ای پرداخته شد. در ادامه با دست‌یابی به پاسخ هر پرسش از دیدگاه وی انسجام نظام معرفت‌شناسی ایشان در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی به نمایش گذاشته شد. در این بررسی نوع نگاه آیت الله خامنه‌ای به امکان شناخت مسائل سیاسی، قابلیت صدق و کذب قضایای سیاسی، چگونگی تشخیص قضایای سیاسی صادق از کاذب و در نهایت نحوه برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی تبیین شد. در بخش چگونگی برقرار کردن ارتباط بین قضایای سیاسی که از آن به «تحلیل مسائل سیاسی» نام بردیم این نتیجه حاصل شد که وجه تمایز و نقطه قوت نظام معرفت‌شناسی سیاسی آیت الله خامنه‌ای نسبت به دیگران ترکیب بین داده‌های تجربی با سنجش‌های عقلانی و تطبیق آنها با آموزه‌های وحیانی است. در نهایت می‌توان گفت؛ تحلیل‌های که صرفاً با توجه به یک ابزار معرفتی و نادیده گرفتن سایر ابزارهای معرفت در مقابل تحلیل‌های آیت الله خامنه‌ای قرار می‌گیرند از اتقان کافی برخوردار نیستند چرا که اقتضای تحلیل در جامعه انسانی که تعدد منابع معرفت را پذیرفته است. استفاده از همه منابع در تحلیل مسائلی است که انسان و جامعه انسانی با آن سروکار دارد. در روند تدوین مقاله مثال‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفت از جمله نوع تحلیل نسبت به ماهیت استکباری دولت آمریکا بود. برای نمونه اگر کسی صرفاً با داده‌های عقلانی بخواهد مسائل نسبت به آمریکا را تحلیل کند، نمی‌تواند شناختی دقیقی نسبت به ماهیت دولت آمریکا به دست آورد اما اگر در تحلیل خود در کنار سنجش‌های عقلانی به داده‌های تجربی و تطبیق‌های وحیانی توجه داشته باشد به مراتب تحلیل‌هایش به واقعیت نزدیک‌تر خواهد بود. چنان که آیت الله خامنه‌ای از این شیوه بهره می‌برند.

منابع

- قرآن کریم.
- پاتریک هوتون، دیوید، (۱۳۹۳)، *روان‌شناسی سیاسی، وضعیت‌ها، اشخاص و قضایا*، چاپ اول ترجمه سعید عبدالملکی، تهران: دانژه.
- های، کالین، (۱۳۹۰)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- گودین رابرت ای، تیلی چارلز، (۱۳۹۰)، *تحلیل سیاسی بر تکیه بر شرایط و زمینه‌ها*، ترجمه رضا سیمبر، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اشمیت، کارل، (۱۳۹۵)، *مفهوم امر سیاسی*، ترجمه یاشار جیرانی و رسول نمازی، چاپ دوم، تهران: قنفوس.
- حقیقت، صادق، (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، چاپ چهارم، قم: دانشگاه مفید.
- مارش دیوید، جری استوکر، (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، تهران: چاپ ششم، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- غضنفری، کامران، (۱۳۸۴)، *آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: عقیدتی سیاسی ارتش.
- متقی، ابراهیم، پوستین چی زهره، (۱۳۹۰)، *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- فولر، گراهام، (۱۳۷۳)، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- بلیکی، نورمن، (۱۳۹۱)، *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه حمید رضا حسینی و همکاران، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نش، کیت، (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوازدهم، تهران: کویر.
- فیاضی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، *درآمدی بر معرفت‌شناسی*، چاپ اول، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- گنجی، حمزه، (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی عمومی*، چاپ شصت یکم، تهران: نشر ساوالان.
- وحیدی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۷)، *عقل در ساحت دین - رابطه عقل و دین در آثار ملاصدرا*، چاپ دوم، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- موزر، پل و مولدر و تروت، (۱۳۸۷)، *درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر*، ترجمه رحمت‌الله رضایی، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مشکات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۱)، فرهنگ واژه‌ها، چاپ دوم، تهران: سمت.
- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار استادشهی دهمطهری، چاپ اول، تهران: صدرا.
- فعالی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، درآمدی بر معرفت‌شناسی معاصر و دینی، چاپ اول، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، چاپ اول، قم: اسرا.
- حسین زاده، محمد، (۱۳۸۸)، الف، معرفت‌شناسی؛ زیرساخت‌ها، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حسین زاده، محمد، (۱۳۸۵)، مبانی معرفت‌دینی، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حسین زاده، محمد، ب، (۱۳۹۰)، نگاهی معرفت‌شناختی به وحی، الهام، تجربه دینی و عرفانی و فطرت، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۹۸۱)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت: ج ۶.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، قابل دسترسی در تارنمای:
<http://farsi.khamenei.ir/speech>، ۲۴ شهریور ۱۳۹۷.
- بخارایی زاده، سید مهدی، (۱۳۷۸)، مفاتیح الحکمه مجموعه موضوعی بیانات مقام معظم رهبری، چاپ اول، تهران: سنا.
- مرکز تحقیقات اسلامی نماینده ولی فقیه در سپاه، (۱۳۷۸)، آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ اول، قم: محدث.
- رشید زاده، فتح الله، (۱۳۹۳)، تبیین فرازهای از اندیشه‌های نظامی دفاعی فرماندهی کل قوا، ج ۲، چاپ اول، تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۰)، معارف انقلاب اسلامی، به کوشش علیرضا مختارپور قهرودی، چاپ دوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- احمدی، مجتبی و همکاران، (۱۳۸۹)، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه در کلام رهبری، چاپ سوم، تهران: کیهان.